

گزارش



بازرسان کار...

ادامه از صفحه ۵

...وی عنوان کرد: «در تمامی کارگاه‌های فعال در صورت عدم رعایت اصول و مقررات بازرسی کار، حوادث شغلی رخ داده و در این راستا آموزش گسترده نیروی کار در خصوص استانداردهای ایمنی مؤثر خواهد بود.»

ضرورت بازرسی سرزده از کارگاه‌ها

ایسن کارشناس حوزه کار در ادامه گفت: «بازرسی‌ها باید به شکل سرزده از کارگاه‌ها انجام شود و بازرسان در صورت مواجه با تخلفات حوزه کار با آن برخورد جدی داشته و نباید از تخلفات چشم‌پوشی کنند.»

وی با اشاره به اینکه تحت هر شرایطی بازرسی‌های کارگاهی باید انجام شود و این روند امکان افزایش گریز از اجرای قوانین مقررات کار را از بین می‌برد، افزود: «در برخی کارگاه‌ها از نیروی کار خارجی بدون مجوز استفاده می‌کنند که این شرایط با تداوم و گسترش بازرسی از کارگاه‌ها کاهش خواهد یافت.»

رییس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور ادامه داد: «همچنین برخی کارگاه‌ها با بستن درهای ورودی محل کار و انمودب‌به تعطیلی کارگاه می‌کنند که در واقع برخلاف آن، فعالیت کاری در آنجا در حال تداوم بوده و صرفاً برای فرار از اجرای قوانین و مواجه‌نشده با بازرسان کار به این کار اقدام می‌کنند.»

وی گفت: «به دلیل اثرگذاری بیشتر و اجرای گسترده‌تر قانون کار بخصوص در حوزه ایمنی محیط‌های کارگاهی، باید به دنبال استمرار و تقویت بازرسی‌های کار در سطح کشور باشیم.»

لزوم اصلاح قوانین و مقررات بازرسی کار

بیات یکسری از قوانین و مقررات حوزه کار در بخش‌های مرتبط با بازرسی کار را به دلیل تدوین و تصویب در دهه‌های گذشته برای اثرگذاری بهتر نیازمند بازنگری و اصلاح دانست و گفت: «قوانین حوزه بازرسی نسبت به شرایط روز کار و تولید در کشور و ضروریات مرتبط با وضعیت روز حوزه اشتغال نیازمند بازبینی‌های مجدد و اجرای کامل است.»

این فعال کارگری با بیان اینکه جرائم مربوط به بازرسی‌های کار در خصوص کارگاه‌های مشمول قانون خاطی در راستای اجرای مقررات کار باید به صورت روز محاسبه و اجرایی شود، تأکید کرد: «بازرسان با حضور در محیط‌های کار با کارفرما ارتباط برقرار کرده‌با هماهنگی آنها اقدام بازرسی‌ها را انجام داده که این روند برخورد قانونی با هر گونه اقدام غیرقانونی در حوزه روابط کار را محدود ساخته و کارگران نیز در حضور کارفرما حاضر به اقرار مشکلات خود نیستند.»

وی خاطرنشان کرد: «در واقع نیروی کار به دلیل نداشتن امنیت شغلی و قراردادهای کوتاه‌مدت کار و ترس از دست دادن شغل حاضر به گفتن مشکلات و ناعدالتی در خصوص رفتار و عملکرد کارفرما نبوده که به این دلیل برای اثربخشی کارآمدی بیشتر، بازرسی‌ها باید به صورت سرزده، بدون کسب اجازه از کارفرمایان و صرفاً در حضور کارگر صورت گرفته تا شاهد کشف تخلفات حوزه کار باشیم.» به گفته این فعال کارگری، علاوه بر اصلاح قوانین و مقررات حوزه کار بخصوص در بخش بازرسی‌های کارگاهی، روش‌های بازرسی نیز نیازمند اصلاحاتی در راستای تأثیر بارزتر است.



خانواده و از یک‌سوی دیگر به دلیل تبعیض جنسیتی دچار محدودیت‌های متعددی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی هستند.

وی با بیان اینکه خانوارهایی که توسط زنان اداره می‌شوند در اغلب کشورها از جمله فقیرترین خانوارها محسوب می‌شوند، می‌گوید: «کل خانوارهای زن سرپرست به سه گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول: خانوارهایی هستند که در آنها مرد به طور دائمی حضور ندارد که شامل زنانی است که به دلیل فوت همسر یا طلاق سرپرستی خانواده را بر عهده دارند یا دخترانی که ازدواج نکرده و تنها زندگی می‌کنند.

گروه دوم: خانوارهایی را شامل می‌شود که مرد به طور موقت و به دلیل مهاجرت، مفقودالانسر بودن، متواری یا زندانی، سربازی بودن و... غایب است و زنان مجبورند به تهیه معاش خود و احیاناً فرزندانشان بپردازند.

گروه سوم: خانوارهایی هستند که مرد در آنها حضور دارد، اما به دلیل بیکاری، از کارافتادگی، اعتیاد و... نقشی در امرارمعاش ندارد و در واقع زنان مسئولیت زندگی خود و احیاناً فرزندانشان را عهده‌دار می‌شوند. نکته حائز اهمیت این است که این زنان باید در ابتدا توانمند شوند و بعد مشغول به کار و فعالیت که خود این امر هم چالش‌های متعددی را به همراه دارد.»

این جامعه‌شناس با تأکید بر اینکه از منظر اجتماعی، موضوع توانمندسازی، پدیده تک‌علتی نیست و توانمند شدن زنان با عوامل درونی و بیرونی متعددی ارتباط دارد، می‌گوید: «از طرفی عواملی درونی همچون وضعیت جسمانی، روانی و اقتصادی خانواده و از طرف دیگر ساختارهای موجود اجتماعی بر توانمندی فرد نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و از سویی دیگر در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود؛ زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب کاهش نرخ بوزوری، افزایش سطح تولید، افزایش در آمد سرانه و در نتیجه، باعث افزایش رفاه اجتماعی برای کل جامعه می‌شود.»

لطفی حقیقت همچنین در مورد موانع حمایت از زنان سرپرست خانوار ادامه می‌دهد: «اگرچه در بسیاری از کشورهای قانونی برای حمایت از زنان به تصویب رسیده‌اما وجود موانع متعدد سیستماتیک تا ساختاری و فرهنگی و اجتماعی موجب می‌شود تا ماینر تأثیر برنامه‌های حمایتی از این زنان کم‌رئوق باشد.»

این روانشناس اجتماعی عدم آموزش و نداشتن مهارت کسب‌وکار در میان زنان سرپرست خانوار را یکی از چالش‌های اساسی در خصوص آنان دانسته و می‌گوید: «چنین شرایطی زنان سرپرست خانوار را به طرف مشاغل کاذب سوق می‌دهد و به همین علت این قشر، مشمول هیچ نوع حمایتی نخواهند شد و اگر هم این مسأله صورت گیرد در قالب ارتباط‌های فردی شکل گرفته است.»

وی در پایان خاطرنشان می‌کند: «نبود حمایت و رهاسازی این زنان آسیب‌های فردی و اجتماعی زیادی به بدنه جامعه وارد می‌سازد که در مواردی قابل جبران نیست.»

مناسب مواجه هستند و بیشتر آنان در منازل استیجاری یا در نواحی حاشیه کلانشهرها به سر می‌برند که باید بسیاری از درآمد خود را به پرداخت اجاره بهای مسکن و هزینه رفت‌وآمد اختصاص دهند.

محدودیت‌های اجتماعی

متأسفانه به دلیل باورهای غلط و دیرینه شکل گرفته در جامعه، زنان مجرد و سرپرست خانوار با نگاهی تنگ‌نظرانه و عینکی بدبینانه قضاوت می‌شوند و در معرض سوءنیت‌ها و آزارهای روحی قرار می‌گیرند و همین موضوع موجب ایجاد احساس بیگانگی، ناامنی و ناراحتی در روابط آنها شده و سبب می‌شود از حضور در جمع احساس معذب بودن و عدم امنیت کنند.

مشکلات ازدواج مجدد

تاب‌آوری در مقابل مشکلات متعددی که در مسیر این زنان قرار دارد کاری بس دشوار است که هر کس نمی‌تواند عهده‌دار آن شود. از این رو برخی از زنان که محصور چنین شرایطی شده‌اند تصمیم به ازدواج مجدد می‌گیرند که آن هم چالش‌های خاص خودش را دارد و اگر نتسنجیده‌رقم بخورد می‌تواند مانند باتالافی عمیق عمل کند.

مشکلات روحی و تنهایی علاوه بر تمام مشکلات ذکر شده، از دست دادن همسر بخصوص در دوران جوانی و پیامدهای ناگوار طلاق منجر به بروز مشکلات روحی متعدد از جمله افسردگی و بدبینی برای این زنان می‌شود. همچنین احساس نگرانی و ترس نسبت به آینده نامعلوم و تنهایی بسیار آزاردهنده است و مشکلات روحی ناشی از شکستی که هنوز التیام نیافته را افزایش می‌دهد و حس سرزنش‌آمیز ارمعانی جز احساس یأس، سرخوردگی و از دست رفتن اعتمادبه‌نفس نخواهد داشت.

آمارها چه می‌گویند؟

گزارش آمارهای رسمی در ارتباط با زنان سرپرست خانوار نشان می‌دهد که در سال‌های ۹۰ تا ۹۸ تعداد خانوارهای معمولی دارای سرپرست زن افزایش حدود ۲۶/۸ درصدی داشته است. همچنین در سال ۹۰ به ازای هر ۱۰۰ سرپرست مرد، حدود ۱۵ سرپرست زن وجود داشته که این نسبت در سال ۹۸ به حدود ۱۶ نفر رسیده است. در نهایت اینکه جمعیت فعال زن سرپرست خانوار طی سال‌های ۹۰ تا ۹۸ رشد ۲۳/۶ درصدی داشته است و این امر رنگ‌هشدار است برای مسئولان و متولیان که با توجه به شرایط متفاوت این افراد بسترهای لازم را برای فعالیت و اشتغال آنها فراهم کنند.

در همین راستا امیر لطفی حقیقت در گفت‌وگو با آتیه‌نو با اشاره به افزایش زنانه شدن آسیب‌های اجتماعی، تبعیض بین زن و مرد در انتخاب نیروی کار توسط کارفرما، نابرابری دستمزد و... در خصوص شرایط زنان سرپرست خانوار می‌گوید: «زنان سرپرست خانوار به عنوان بخشی از جامعه یا مشکلات متعددی مواجه هستند. زنان سرپرست خانوار در تأمین نیازهای اصلی و اساسی اعضا

مشغول به کار شدن فراهم کنند جز اولین کسانی هستند که در صورت بروز مشکل و چالش در محل کار مورد اتهام و سوءظن قرار می‌گیرند.»

بشقاب‌های چینی را به سرعت کف‌مال می‌کند و روی هم می‌چیند تا همکار دیگرش که در مجاورت او ایستاده آنها را آیکشی کند. انگار مضطرب است. از سکوت ناگهانی و گردش سرش به سمت ساعت روی دیوار حدس می‌زنم گذر زمان بیش از حد تصور من برایش اهمیت دارد.

از بیماری صرع پسرش و هزینه‌های سنگین تأمین دارو و درمان گله می‌کند و ادامه می‌دهد: «خیلی سخت است که زن باشی و نقش و مسئولیت‌مادری و پدری را با هم عهده‌دار شوی و کم‌رخم نکنی. مردها هم از زیر بار مسئولیت‌شانه خالی می‌کنند و کم می‌آورند.»

شستن ظرف‌ها که تمام می‌شود، دست‌های آب کشیده‌اش را با گوشه لباس فرمش خشک می‌کند و آماده رفتن به خانه‌اش می‌شود؛ از غرولندی که زیر لب با خودش می‌کند، متوجه می‌شوم دیرش شده و به قراری که برای تهیه داروهای پسرش داشته نمی‌رسد.

در حالی که از همراهی من با خودش کلافه شده می‌گوید: بس است دیگر. باید تا ته شهر بروم.

زنانگی و کار سخت

باید زن باشی تا متوجه شوی پذیرش مسئولیت زندگی و فرزندان آن هم خاصه در جامعه پرتلاطم امروز چه حجم باشی باید ساعت‌اروای گرگ‌ومیش صبح کوک کنی، باید کم‌ر همت را بر روی توانمندی‌های داشته و نداشت‌ها ببندی. دست‌هایت را روی زانوانت بگیری و بدون توقف فقط حرکت کنی تا زنده بمانی؛ نه اینکه زندگی کنی!

یکی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه زنان سرپرست خانواری هستند که تحت تأثیری عوامل متعددی همچون طلاق، اعتیاد و از کارافتادگی همسر، فوت، رها شدن توسط همسران و... مجبور می‌شوند عهده‌دار تأمین زندگی شوند. زنانی که پیش از این زندگی دیگری داشتند و هیچ تصویری از چنین شرایطی ندارند، وقتی در این موقعیت قرار می‌گیرند و به یکباره با جهان دیگری مواجه می‌شوند، دچار آسیب‌های متعدد دیگری نیز می‌شوند که وسواس‌های فکری، جمع‌گریزی و مواجهه‌با بر خورد‌های نامناسب توسط اطرافیان بخشی از مشکلات و موانع آنان است که موجب می‌شود مسأله زنان سرپرست خانوار به عنوان یک مسأله اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

بی‌سرپناهی

همواره یکی از مهم‌ترین چالش‌های زندگی زنان سرپرست خانوار بحث مسکن و تأمین سرپناه خصوصاً در کلانشهرها است. زنان سرپرست خانوار در شهرها با مشکل نبود مسکن

گزارش آتیه‌نواز چالش‌های پیش روی زنان سرپرست خانوار

بار سنگین بر شانه‌های نحیف

گفت‌وگو

زنان سرپرست خانوار از جمله اقشار آسیب‌پذیری هستند که هم‌ناچاند بار اقتصادی خانواده را به دوش بکشند و هم به امور خانه و تربیت فرزندان بپردازند. از این رو آنها نه تنها فشار روزافزون اقتصادی را متحمل می‌شوند بلکه وظایف متعدد، باعث فرسودگی و فشارهای اجتماعی و روانی عمده‌ای به آنها می‌شود. در این شماره از آتیه‌نو پای صحبت این زنان سختکوش نشستیم تا از دشواری‌های زندگی آنها بشنویم.

خنکای صبح است و نور خورشید هنوز برای خودنمایی به وسط آسمان نرسیده و فقط موزیانه چشم‌ها را می‌زند، صدای شمارش اعداد که با ریتم موسیقی تنظیم‌شده در گوشه کنار پارک شنیده می‌شود. مقصدم را می‌دانم. مکانی مسقف در شرقی‌ترین ضلع پارک‌از راهروی نسبتاً پارکی که با موزاییک‌های سفید و یکی در میان شکسته‌فرش شده عبور می‌کنم. همانجای همیشگی‌اش، انتهای راهرو، روی صندلی پلاستیکی آبی رنگ‌ورو رفته‌اش نشسته و سرش را به دیوار تکیه داده و نمی‌داند به چه فکر می‌کند؟

سرپرستی ۴ دختر

بلند سلام می‌کنم. از جایش می‌پرد. انگار عادت به شنیدن این جمله ندارد. کیف‌ام را روی میخ فلزی کنار آینه که بالای روشویی قرار دارد، آویزان می‌کنم. شیر آب را باز می‌کنم. از روی صندلی‌اش تکانی می‌خورد و می‌گوید: «از روز قبل که دزد، شیرهای آب را باز کرده و برده هنوز فشار آب تنظیم نشده» و همین جمله پنهانی می‌شود که روی چهارپایه روبه‌رویش بنشینم و او از روزگارش بگوید.

همسرش را به دلیل بیماری دو سال گذشته از دست داد و حالا او مانده با مسئولیت و سرپرستی چهار دختر که دو نفر آنها محصل و دانشجو هستند و دیگری با یک دختر ۹ ساله به دلیل مشکلات اخلاقی و رفتاری همسرش از او جدا شده و دچار افسردگی است.

می‌گوید ۱۲ سال سابقه کار خدماتی دارد که بخشی از این سال‌ها در تالارهای پذیرایی گذشته و بخشی دیگر هم برای نظافت سرویس‌های بهداشتی پارک‌های سطح شهر. با دردی که در چهره‌اش کاملاً مشهود است به مدت زمان ساعت کاری‌اش که از ۶ صبح شروع و تا ۶ عصر ادامه دارد، اشاره می‌کند و می‌گوید: «مستاجر هستم و مجبورم از ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی که حقوق می‌گیرم ۲ تومان از آن را بابت اجاره یک آپارتمان کوچک ۳۵ متری در جنوب شهر اجاره بدهم.»

از او در مورد نحوه گذران امورات زندگی‌اش با وجود تورم‌های روزافزون سؤال می‌کنم که ادامه می‌دهد: «اگر مردم کمک و حمایت‌م نکنند از پس خرج و مخارج سنگین زندگی بر نمی‌آیم. وضعیت جامعه مناسب نیست و به دخترانم اجازه کار کردن نمی‌دهم. ترجیح این است کمتر بخوریم اما سالم زندگی کنیم و به همین خاطر باید به تنهایی هزینه‌های زندگی را تأمین کنم.»

فارغ از مباحث و چالش‌های متعدد مالی و اقتصادی، یکی از مواردی که از آن با عنوان سختی کار یاد می‌کند مزاحمت‌هایی است که بعضاً در طول روز خصوصاً در شش ماه دوم سال که هوا زودتر تاریک می‌شود در طول مسیر و محل کار برایش رقم می‌خورد.

وقتی از او در مورد نوع رفتار و برخورد مردم در مواجهه با کارش سؤال می‌کنم سسری تکان می‌دهد و می‌گوید: «همچنان که بعضی‌ها برای ادامه زندگی و پرداخت هزینه‌های آن حمایت می‌کنند بعضی دیگر هم با رفتار و کلام و نوع برخوردشان تحقیر و توهین می‌کنند؛ اما من مجبورم برای امرارمعاش و اینکه کارم را از دست ندهم در مقابل هر حرف و رفتار ناخوشایند سسری سکوت کنم تا این آپارنیکه ادامه داشته باشد.»

عدم امنیت شغلی

برای تکمیل گزارش به سراغ زن سرپرست خانوار دیگری می‌روم که در آشپزخانه یکی از تالارهای نزدیک بهشت‌زرها کار می‌کند.

زن جوانی است؛ به نظر کمتر از ۳۵ سال سن دارد. برای مصاحبه حاضر نیست روبه‌رویم بنشیند و می‌خواهد در حین اینکه دارد ظرف‌های روی هم انباشته شده را می‌شوید، گفت‌وگو کند.

می‌گوید پدر و مادرش را در دوران نوجوانی بر اثر سانحه رانندگی از دست داده و سال‌ها با مادر بزرگش زندگی کرده است. به اجبار در سن ۱۵ سالگی با مردی ۵۰ ساله که اخیراً هم فوت کرد ازدواج می‌کند و پسر ۱۷ ساله‌اش ثمره این ازدواج است.

وقتی از او در مورد سختی‌های زندگی و کارش سؤال می‌کنم از تورم‌ویی پولی و مشکلات اقتصادی شکایت می‌کند و ادامه می‌دهد: «تأمین مسکن و بعد از آن عدم امنیت شغلی از مهم‌ترین موضوعاتی است که غالب زنان سرپرست خانوار را که از نزدیک با آنها آشنایی دارم رنج می‌دهد.»

به ساعات کاری طولانی مدت و حقوق ناکافی‌اش اشاره و عنوان می‌کند: «زنانی که شرایطی مشابه من دارند و مجبورند با توجه به مسئولیت‌شان برای گذران زندگی کار کنند به سختی می‌توانند شغل مناسب و ثابتی داشته باشند. حتی اگر مشکل ضامن و چک و سفته را هم برای